

تحفة الفاطمیین فی أحوال قم و القمیین

تألیف حسین بن محمد حسن قمی

تحقیق علی رفیعی علامرودشتی

بخش هفتم

بقعة مستوفی الممالک^۱

اصل این بنا نیز از شاه اسماعیل صفوی است که در سنه ۱۲۶۱ [هجری قمری] که میرزا حسن مستوفی الممالک آشتیانی وفات کرد، پسر او میرزا یوسف مستوفی، این بقعه را از جهت مدفن والد خود، تعمیر نمود و دو حجره از حجرات مدرسه را خراب نموده، داخل بقعه کرد و بر مرافق بقعه افزود، و قبر مستوفی در وسط بقعه واقع است و این قطعه که «ماده تاریخ» اوست، بر روی سنگ روی قبر - که سنگ مرمر بسیار ممتازی است - مرقوم است:

افسوس که مستوفی دیوان ممالک
رانداز روش کیلک قضا، کوبه در خاک
دستور حسن، اسم حسن، رسم که نامد
جمع و هنرش کس را در دفتر ادراک
بر مُلک فنا زد قلم همت و بگذشت
شد با خط اقلیم بقا چابک و چالاک

من ذلک ایوان [هنر]^۲ طی شد و خلقی
ماندند دل از غم چه زبان قلمش چاک
طی کرد اجل فرد جلالی که همی بود
حشو ورقش بارد نه دفتر افلاک

۱. میرزا حسن بن میرزا یوسف آشتیانی مستوفی الممالک (۱۲۹۰ یا ۱۲۹۲ - ۱۳۵۱ ق / ۱۸۷۴ یا ۱۸۷۵ - ۱۳۵۱ م)، سومین پسر میرزا یوسف است که در اوایل ۱۲۹۹ ق، در شش یا هفت سالگی پدرش او را با لقب «مستوفی الممالک» به جای خویش به سمت رئیس دفتر استیفا (وزارت دارایی) تعیین نمود. در آن هنگام، خود میرزا یوسف مستوفی الممالک، وزیر اعظم، داخله و مالیه بود. در ۱۳۰۳ ق، که میرزا یوسف درگذشت، کارها و مشاغلی که داشت، برحسب امر شاه به پسر نُه سالش به نیابت میرزا هدایت‌الله، وزیر دفتر، که مدت شش سال از کار کناره کرده بود، واگذار شد. میرزا حسن مستوفی الممالک در سال ۱۳۱۸ ق، در زمان سلطنت مظفرالدین و در ۲۶ سالگی به اروپا رفت و مدت هشت سال در آنجا و بویژه در پاریس ماند. او پس از بازگشت به ایران، بارها رئیس الوزراء شد. وی در دوره مشروطیت، بیش از پانزده بار وزیر شد و یازده بار نخست‌وزیر گردید. وی سرانجام در ششم شهریور ۱۳۱۱ (۲۵ ربیع اول ۱۳۵۱) در حدود شصت سالگی درگذشت و در مقبره خانوادگی شان در ونک به خاک سپرده شد. (ر.ک: شرح حال رجال ایران، بامداد، ج ۱، ص ۳۱۸ - ۳۲۱؛ گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۶۵ - ۵۶۶؛ تربت پاکان، ج ۱، ص ۹۳ - ۹۴؛ انجم فروزان، ص ۱۱۶؛ راهنمای قم، چاپ ۱۳۱۷ ش، ص ۶۶ - ۶۷).

۲. تکمیل از کتاب: کتابه‌های حرم مطهر حضرت معصومه علیها‌السلام، ص ۷۲.

بدان زمان که درختان به بر کنند حُلّی
 زمانه کرد کفن در برش به جای حُلّ
 نهاد لاله به دل داغ و چاک زد گل، جیب
 سُروِرِ مرغ بهاری به نُدبه گشت بدل
 هزار و دو صد و هشتاد و سه ز هجرت بود
 که تاج خانم در قصر خُلد کرد محل
 وزیده باد آبَرِ خوابگاه او جاوید
 نسیمِ رحمت پروردگار عَزَّ و جَلَّ
 و ایوان این بقعه، کتیبه‌ای دارد که این اشعار بر آن کتیبه،
 ثبت است:

تبارک اللّٰه از این روضهٔ بهشت سرشت
 که سر زَنَد ز شرف خاکش از سرشتِ بهشت
 ز بهر افسر فرّاش آستانهٔ اوست^۶
 که تار اطلس افلاک و دست قدرت رشت
 شد از ادات او [کذا]^۷ خسرو ز گنبد عالیش
 چه آفتاب عیان صد هزار زرّین خشت
 ستوده فتحعلی شه که در حدیقهٔ دل
 بجز نهال هوای نبی و آن نکشت
 دعای دولت او باد در صبح و مسا
 درود شیخ حرم با سرودِ پیر گُنِشت

بقعه نظام الدوله^۸

بقعه‌ای است مَثَمَن و در طرف جنوب شرقی، جنب ایوان طلا

صاحب قلمی را که دو صد غاشیه کش بود
 چون صاحب دی مرگ زدش دست به فتراک
 رفت آن که بر اعدای فریدون زمان رفت
 آن از قلمش^۱ کز عَلمِ کاوه به ضحاک
 رفت آن که لعاب دم مارِ قلمش بود
 بر جسم^۲ مَلک زهر و بر احبابش تریاک
 سررشتهٔ جمع هنر و خرج مکارم
 او داشت، چرا دل نبود در هم و غمناک؟
 آن جمع هنر را چه به دیوان عدالت
 این خرج نماید ز حسابش چه بُود باک
 القِصّه چه کرد از ورقِ باطلهٔ تن
 مستوفی دیوان ممالک، خط جان پاک
 بنوشت «شهاب» از پی تاریخ وفاتش
 «طوبی و تبارک لک بالجنّة مأواک»^۳

و مزرعهٔ شاه‌آباد و کز استان [کذا] وقف بر مصارف این بقعه
 است و قبر میرزا کاظم، والد میرزا حسن مستوفی، در ایوان
 طلای حضرت معصومه علیها السلام واقع است و میرزا یوسف
 مستوفی در ونکِ طهران مدفون است.

از جملهٔ مدفونین این بقعه، زوجهٔ حاجی میرزا عیسی
 وزیر و زوجهٔ فرمانفرمای ناصرالدوله و زوجهٔ میرزا
 هدایت‌الله وزیر - که صبایای میرزا حسن مستوفی باشند - که
 قبور ایشان ملصق به قبر مستوفی است.^۴

بر روی سنگ قبر زوجهٔ حاجی میرزا عیسی وزیر، این
 قطعه مرقوم است:

کریمه‌ای ز شبستان دودمان اجل
 به خاک تیره فرو بُرد دستبرد اجل
 به روزگارِ جوانی برفت و با خود بُرد
 هزارگونه امید و هزارگونه اَمَل
 سفید گشت به سر، موی در مصیبت او
 ز دیده خون دلش موج زد بر اوج زُحَل
 فغان از این فلک دیوسار و دستان‌باز
 که هیچ کس را خورما^۵ نداد بی حَنْظَل
 مشو فریفتهٔ رنگ و بسوی او، زنهاری!
 که زیر گِل بودش خار و زهر زیر عسل
 نهفت چهرهٔ گل، مهر بُرج عَفّت را
 بدان گهی که رود آفتاب سوی حَمَل

۱. در اصل: «علمش».

۲. در اصل: «خصم».

۳. این مصراع به حروف ابجد، مساوی با عدد ۱۳۶۱ است که سال مرگ
 مستوفی الممالک است.

۴. از دیگر مدفونین در این بقعه، می‌توان به تاج خانم (م بهار ۱۲۸۳ ق)، جانی
 بیگم (م ۱۲۶۹ ق)، حبیبه خانم مسعود همدم السلطنه، دختر میرزا یوسف
 مستوفی الممالک (م ۱۲۸۸ ق)، نگار الدوله، دختر شاهزاده ناصرالدوله
 فرمانفرما (م ۱۳۲۴ ق)، انورالسلطنه، دختر ناصرالدوله فرمانفرما،
 (م ۱۳۵۱ ق) و شرکت خانم دختر عبدالحسین خان یاور و همسر سلطان
 حمید میرزا ناصرالدوله (م ۱۳۱۰ ق) اشاره کرد. (ر.ک: کتابه‌های حرم مطهر
 حضرت معصومه علیها السلام، ص ۷۳).

۵. خرما که به تناسب آهنگ شعری، «خورما» آمده است.

۶. در گنجینهٔ آثار قم (ج ۱، ص ۵۶۶) آمده: «ز بهر آستر فرش آستانش بود».

۷. چنین است در اصل متن و گویا مؤلف نتوانسته است چند کلمه از این
 مصرع را درست بخواند.

۸. گنجینهٔ آثار قم، ج ۱، ص ۵۷۲.

واقع است. گنبد و بقعه نظام‌الدوله، در مجاورت شرقی ایوان طلا، در ضلع جنوبی صحن عتیق واقع است که اصل بنا از شاه بیگم صفوی است و سراپا مزین به گچبری است که هشت سانتیمتر برجستگی دارد و پوشش آن، تخت و آراسته به گل و بوته برجسته و خوشه‌های انگور و گنبد آن عرقچینی و بین دو سقف، غرفه‌ای است که مدتی دایر بوده است.

قاعدۀ گنبد، مَثَمَن مختلف الأضلاع به دهانه ۵/۳۰ در پنج متر و ارتفاع تقریبی ۸ متر و در دو ضلع شرقی و غربی دو شاه‌نشین به دهانه ۳/۵۰ متر و عرض یکی ۱۰/۵۰ متر و دیگری ۸۰ سانتیمتر می‌باشد. این گنبد، سابقاً کفشداری بود و مدخل آن به رواق آینه باز بوده است ولی جلو آن مشبکی برنجی و ثابت نصب گردیده است.

و در جهات فرعی آن چهار صَفَه محرابی به دهانه ۱/۱۰ متر ساخته شده است که در کمرگاه آنها پوششی افزوده، آنها را دو طبقه ساخته‌اند و گچبری‌های این صَفَه‌ها ممتاز است. جلو مقبره، ایوانی است با اِزارهٔ مرمری و بغله‌ها و پوشش رومی، مزین به کاشیکاری معرّق عصر صفوی که در برابر باد و باران، به مرور، ریزشهایی یافته است که تعمیر گردیده است.

اصل بنای بقعه و ایوان آن از شاه اسماعیل است و در این بقعه، چند نفر مدفون می‌باشند، از جمله آنها: محمد ابراهیم خان نوری، ملقب به «نظام‌الدوله»^۱ است که در سنه ۱۳۱۴ [هجری] وفات نموده و در وسط بقعه مدفون است.

از جمله، قبر زینت الحاجیه، ضجیعة نظام‌الدوله^۲ است که این اشعار بر روی سنگ قبر او مضبوط است:

حیف و صد حیف که ایام جفا گستر کرد

زینت الحاجیه را جامهٔ شادی کَفَنَّا

داشت منزل به مقام شَرَف ابراهیم

رفت از آنجا به حریم حرم ذوالمَنَنَّا

بلبل خوش‌سخنِ باغ خلیل دولت

بود و ناگاه فرو بست لب از هر سُخَنَّا

آه از آن دم که ز جورِ فلک گردون کار

جان پاکیزهٔ او گشت جدا از بَدَنَّا

اهل عصمت، همه از فرقت او در ماتم

اهل دولت، همه از ماتم او در مَحَنَّا

نام او آسیه و رفت به فردوس برین
گشت با آسیهٔ پاک روان مُقترنا
همسر طوبی گلهای بهشتی شد اگر
بود در باغ جنان همسر سرو چَمَنَّا
بود مرغ چمن دولت، ناگاه پرید
به فضای چمن خُلد برین زین چَمَنَّا
گنند دنیای فنا از تن او پیراهن
پس بپوشید ز دیبای بقا، پیرهنَّا
چشم بر بست ز دیبای جهان تا به جنان
جامه ز استبرق فردوس بپوشد به تَنَّا
الغرض، چون ز جفای فلک و حکم قضا
عازم مُلک بقا گشت از این انجمنَّا
زد رقم از پی تاریخ وفاتش «افسر»
«زینت الحاجیه را مُلک بقا شد وطنَّا»^۳

۱. محمد ابراهیم خان، پسر میرزا رضا خان، پسر میرزا زکی خان نوری، ملقب به «سهام‌الملک» و «سهام‌الدوله» و «نظام‌الدوله»، تاریخ تولد وی دانسته نیست، اما نوشته‌اند که وی در سال ۱۲۷۳ ق، که سرتیب سه فوج (هنگ) اصفهان بود، به لقب «سهام‌الملک» ملقب گردید و در سال ۱۲۹۱ ق، ملقب به «سهام‌الدوله» شد. وی در اوایل سال ۱۳۰۰ ق، به جای حاج غلامرضا شهاب‌الملک آصف‌الدوله شاهسون، از طرف کامران میرزا نایب‌السلطنه، حاکم مازندران شد و در سال ۱۳۰۲ ق، به تهران احضار گردید.

وی بعد از سال ۱۳۰۴ ق، تا ۱۳۰۷ ق، حاکم کردستان شد و در سال ۱۳۰۶ ق، از کردستان به تهران آمد و سپس به محلّ مأموریت خود بازگشت و در همان زمان که به تهران آمده بود، ملقب به «نظام‌الدوله» شد و از ترس اینکه کامران میرزا اموالش را پس از مرگ، مصادره کند، همهٔ مایملک خویش را وقف کرده و در سال ۱۳۱۰ ق، به جای امین نظام محمد صادق خان شامبیانی، امیر توپخانه شد و در ۱۳۱۴ ق، دیده از جهان فرو بست و در مقبره شمارهٔ شانزده صحن عتیق حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد. بر سنگ قبر وی نوشته است: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَإِنْ هُوَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ ... وفات مرحمت پناه و غفران پناه جنت و رضوان آرامگاه، جناب جلالت مآب امیر الأمراء العظام، الملقب به نظام‌الدوله دولت قوی شوکت علیّه ایران، محمد ابراهیم خان نوری - طاب ثراه - فی سنه ۱۳۱۴ داعی حق را لَبَّیک گفت». (شرح حال رجال ایران، بامداد، ج ۳، ص ۲۹۱ - ۲۹۳؛ کتابه‌های حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام، ص ۷۸ - ۷۹).

۲. زینت الحاجیه آسیه خانم، دختر نظام‌الدوله، در ۱۲۸۹ ق، درگذشته است. (کتابه‌های حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام، ص ۷۸). وی ملقب به شرف‌الدوله و مادر امیر نظام السلطان رضا مؤید همایون بود. (رجال ایران، بامداد، ج ۵، ص ۱۷).

۳. این مصراع به حروف ابجد، مساوی است با عدد ۱۲۸۹ که سال مرگ اوست.

بسی تیر و دیماه و اردیبهشت
بیاید که ما خاک باشیم و خشت.

قبر سردار مسعود

قبر سردار مسعود، پسر خازن‌الملک^۵، جنب قبر خازن‌الملک
واقع است. در سنه ۱۳۳۹ [هجری]، به خاک رفته [است]:
با من فلک از خشم بسی دندان زد
هر زخم که زد چه^۶ پُتک بر صندان^۷ زد
تیری ز قضا راست مرا بر جان زد
دشوار آمد مرا که سخت آسان زد.
در خارج این بقعه، قبر حاجی محمد علی نامی است. بر
روی [سنگ مزار وی این اشعار نوشته شده است]:
ای شده مغرور نفس، در همه سال و مه
تا کی از اینسان کُنی عمر به غفلت، سیه؟
پیک اجل در رسید، موی سیه شد سفید
چند ببافی به هم بند سفید و سیه؟
قافله سالار مرگ، زد ز جگر «الرحیل»
باز فزایی بُنه بر سر بار کُنه
قصد اقامت نکرد کس به سپنجی سرای
حاصل جمع سپنج نیست بجز پانزده
نوح نبی پایداژ زیست در این عرصه؟ لا
خضر زید جاودان بر سر این چشمه؟ نه

۱. از دیگر کسانی که در این مقبره مدفون‌اند، می‌توان از: امیر اصلان خان
نوری، نظام‌الدوله، فرزند میرزا محمد خان موقرال‌دوله و نوه میرزا آقا خان
نوری (م ۱۳۱۷ ش) و زهرا افتخار السلطنه ناصری قاجار، فرزند ناصرالدین
شاه (م ۱۲۶۹ ش) نام برد که دختر صدر اعظم، ملقب به «اشرف‌الدوله» است.
(کتاب‌های حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام، ص ۷۸ - ۷۹).
۲. مصرع: «بود ماه جنان درخشنده»، به حروف تهجی، مساوی است با عدد
۱۳۲۵ که سال مرگ وی را نشان می‌دهد.
۳. از چند تن به عنوان «علیخان قاجار» در منابع و مآخذ عصر قاجاری یاد شده
است که هیچ‌یک از آنها در قم، دفن نشده‌اند و نتوانستم شرح حالی از این
علیخان قاجار، در منابع بیابم.
۴. راجع به خازن‌الملک نیز در منابع عهد قاجاری و پس از آن، مطلبی
یافت نشد.
۵. در مورد سردار مسعود، پسر خازن‌الملک که در کنار قبر پدرش
خازن‌الملک، به خاک سپرده شده نیز در منابع و تاریخهای دوره قاجاریه
و پس از آن، مطلبی پیدا نشد.
۶. چو.
۷. سندان.

از جمله، قبر دختر صدراعظم‌نوری^۱ است که در سنه ۱۳۲۵
[هجری] وفات نموده است و سنگ قبر او به این قطعه مزین است:
زینهار از سپهر کج رفتار
که نه مولا شناخت نه بنده
کس نیامد در این سرای سپنج
که بُود پایدار و پاینده
دختر صدر اعظم نوری
اشرف‌الدوله، ماه تابنده
غرّه ماه در ربیع دوم
رفت و دلها ز غم شد آکنده
شد درخشنده خانم از دنیا
با دلی پاک و طبع زیننده
بعد پنجاه و هفت سال تمام
رفت و خوش ماند نام او زنده
هاتفی گفت ز بهر تاریخش
«بود ماه جنان درخشنده».^۲

بقعه علیخان قاجار^۳

طرف جنوب غربی صحن مطهر، جنب ایوان طلا واقع است.
مدفونین در این بقعه، از جمله علیخان قَجَر است که در سنه
۱۲۹۱ [هجری] وفات نموده است.

قبر خازن‌الملک

قبر خازن‌الملک^۴ در وسط این بقعه واقع است. در سنه
۱۳۳۹ [هجری] به خاک رفته و بر روی سنگ مزارش، این
قطعه، به خط خوش نوشته:
بیا ای برادر! نصیحت شنو
که دنیا نیرزد به یگ نیم جو
که این گردش گنبد آبنوس
بسی پادشاهان با طبل و کوس
کشیده به خاک سیه حالشان
که دیگر نمانده از آنها نشان
تفوح‌کنان بر هوا و هوس
گذشتیم بر خاک بسیار کس
دریغاکه بی ما بسی روزگار
بروید گل و بشکفد نوبهار
کسانی که از ما به غیب اندرند
بیایند و بر خاک ما بگذرند

رشته طول آمل، جادت سوء ایل
 عقدت آن از غرور، جدوت این از سَفَه
 گرچه ز اردیبهشت، باغ شود چون بهشت
 رونق بستان بُرد فصل خزان مهر و مه
 خفته به خاک هلاک، لاله‌رُخان داغدار
 رفته به باد فنا، خرمن خوبان چه گه
 گرچه به زندان خاک، پیکر پاکش نهفت
 روح برفت آن چنین جانب آرامگه
 حاج محمد علی، نوگل باغ سپاس
 آن که در اقلیم جُود، بود یکی پادشاه
 کِلک مورخ نگاشت، مصرع تاریخ وی
 «حاج محمد علی، یافت بفردوس ره»^۱.

بقعه قهرمان میرزا^۲

این بقعه در کرباسی است که بین صحن مطهر و مدرسه واقع است و ملصق به بقعه فتحعلی شاه است. بقعه کوچکی است، قبر شاهزاده قهرمان میرزا فرزند عباس میرزا نایب‌السلطنه، در این بقعه می‌باشد و تمثال آن شاهزاده را بر روی تخته سنگی که روی قبر است، حجاری نموده و در کتیبه دور آن سنگ، این قطعه را نوشته است که [از] لسان اوست:

منم گذشته جوان، قهرمان بن عباس
 که تاخت مرگ به من آن چنان که نحس به سعد
 به باز پس نگران رفتم از کنار جهان
 چه خسرو از بر شیرین، رُباب از بر وحد
 به نابکامی من دان سرشک راندن ابر
 به ناامیدی من دان خروش کردن رعد
 نه ممکن است که بینند مرا دیدار
 که اوفتاد به محشر، من و شما را وعد
 مرا کنید به «الحمد» و «قل هو الله» یاد
 کنید چون به سر خاک من گذر زین بعد
 هزار و دو صد و پنجاه و هفت بگذشتم
 به دوّم و دهه سیم از مه ذی‌قعد.
 در پایین سنگ قبر نوشته است: «مرقد مطهر مرحوم قهرمان میرزا، ابن مرحوم نایب‌السلطنه عباس میرزا، ولیعهد ابن الخاقان المغفور فتحعلی شاه قاجار».

و قبر دیگری در کنار این بقعه واقع است و آن، قبر اکبر میرزا ابن قهرمان میرزا است که در سنه ۱۳۱۰ [هجری] وفات یافت.

بقعه نایب‌الصدر

این بقعه، مُحاذی و مقابل بقعه قهرمان میرزا واقع است. مدفونین این بقعه، نایب‌الصدر قزوینی^۳ است و چند نفر از

۱. مصرع: «حاج محمد علی یافت بفردوس ره» به حروف ابجد، مساوی است با عدد ۱۲۵۲ که سال فوت حاج محمد علی است.
 ۲. کرباس زیر غرفه مشرق‌الشمسین بین صحن عتیق و مدرسه فیضیه، دارای دو سکو است که قبلاً جایگاه دربانان بوده است. این سکوها با نصب در سه لنگه ارسی از کرباس مجزا شده و به صورت مقبره درآمده‌اند که قبر قهرمان میرزا، فرزند عباس میرزا نایب‌السلطنه پسر فتحعلی شاه قاجار، در سکو غربی آن واقع شده و پیش از آن، ابن سکو، مدتی کفشکن مقبره فتحعلی شاه بوده و در بین آنها هنوز به حال خود باقی است. هیئت ساختمان این سکو یا مقبره، پنج ترکی است که هرگاه با سکو مقابل پیوست بخورد، به صورت گنبد هشت ترکی متساوی‌الأضلاع درمی‌آید. جدار این مقبره، آراسته به نقوش رنگین و دارای چند طاقچه است و بغله‌ها و اسپرشان مزین به کنده‌کاری گچی و گچبری زیبا و پوشش آن، مقرنس و پوشش مقرنس‌گچی منقش و ستاره‌نشان از آینه است و در مرکز آن، نیمه شمس‌ای گچبری شده است دارای شانزده پرتو و در نقطه مرکزی آن، خورشیدی برجسته و آینه‌پوش پیداست.

روی مرقد قهرمان میرزا، لوحی است از مرمر، آراسته به ریزه‌کاریهای فراوان که یک مجسمه نیم‌تنه متوقفاً به ارتفاع چند سانتیمتر در متن آن حجاری شده و دو فرشته بر فراز سر او از دو جانب، گل در دست در حال فرود آمدن‌اند و در اطراف مجسمه در حاشیه لوح، کتیبه‌ای است به خط نستعلیق برجسته و ممتاز از مهدی ملک‌الکتاب که روی آن ابیات یاد شده در متن کتاب، حجاری شده است. در پایین تصویر مجسمه، عبارات زیر حک شده است:

«مرقد مطهر مرحوم قهرمان میرزا ابن مرحوم نایب‌السلطنه عباس میرزا، ابن الخاقان المغفور، فتحعلی شاه قاجار، ۱۲۵۷». (ر.ک: گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۷۳-۵۷۴؛ تربت پاکان، ج ۱، ص ۹۴؛ تاریخ نو، جهانگیر میرزا، ص ۲۸۵؛ تاریخ قم و مختار البلاغ، ص ۱۱۰؛ تاریخ دارالایمان قم، ارباب، ص ۳۷).

۳. میرزا محمدحسین بن زین‌العابدین رحمت علی شاه بن حاج معصوم بن حاج محمد حسن قزوینی شیرازی (۱۲۵۵-۱۲۹۵ ق/ ۱۸۳۹-۱۸۷۸ م)، ملقب به «منصور علی» و معروف به «نایب‌الصدر قزوینی» یا «نایب‌الصدر شیرازی» از عرفای طریقه شاه نعمت‌اللهی است.

وی در شب دوشنبه دوم شعبان ۱۲۵۵ در شیراز دیده به جهان گشود و نزد پدر، دانش و آداب سلوک را فرا گرفت و در علوم عقلی و نقلی و حکمت نظری و عملی به کمال رسید و خط نسخ و نستعلیق و ترسلمات را خوب می‌نوشت و جواب نامه‌هایی را که به پدرش نوشته می‌شد، پاسخ می‌داد. وی در ۱۲۷۳ ق، در خدمت پدرش، به کرمان رفت و پس از مرگ پدرش به فقر بسیار گرفتار گردید. از این‌رو، عازم تهران شد و به وسیله حاج میرزا رحیم نامی که به وی ارادت داشت و از مقربان درگاه ناصرالدین شاه بود، به حضور شاه معرفی شد و ناصرالدین شاه او را ملقب به «نایب‌الصدر» نمود و منصب پدرش را به وی داده و دو ثلث از مرسومات پدرش را به او و برادرانش داد. منصور علی، به شیراز برگشت؛ اما فقر و بی‌چیزی دامنگیر او بود. از این‌رو، به عتبات عالیات رفت و سپس به تهران بازگشت و در هفده صفر ۱۲۹۵، در تهران دیده از جهان فرو بست و جسد وی به قم منتقل شد. حاج آقا محمد

آینه و نقاشی و حجاری و مثبت و خاتمکاری است که هر یک در نوع خود جالب توجه‌اند.

در وسط این بقعه، مرقدی است به ارتفاع پنجاه سانتیمتر با جدار مرمری و بر روی آن لوحی است نفیس از مرمر، که حدود سه سانتیمتر از زمینه، برجستگی دارد و از شاهکارهای هنری، به‌شمار می‌آید. طول این لوح ۲/۷۰ متر و عرضش ۱/۴۰ متر است که در متن آن، علاوه بر مجسمه پادشاه در لباس رسمی بر فراز سر وی دو فرشته تاجدار در حال پروازند و در حاشیه آن، کتیبه‌ای به خط نستعلیق مرغوب و برجسته، متضمن دوازده بیت، حجاری شده است. در پایین مجسمه، عبارات: «ترتیب یافته محمدشاه رضوان مکان، سیدحسین. عمل بنده درگاه، محمدعلی اصفهانی، ۱۲۷۰» به چشم می‌خورد. (ر.ک: گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۵۷-۵۶۱؛ تاریخ دارالایمان قم، ارباب، ص ۳۷؛ فرهنگ ایران زمین (گنجینه آستانه قم)، ج ۲۲، ص ۴۰۱؛ انجم فروزان، علی اکبر فیض، ص ۱۱۰، ۱۱۶؛ راهنمای قم، چاپ ۱۳۱۷ ش، ص ۶۶؛ تاریخ قم، مختار البلاء، ص ۱۰۹).

۲. سید حسین خوشنویس‌باشی (م ۱۳۰۰ یا ۱۳۰۳ ق / ۱۸۸۳ - ۱۸۸۶ م) یکی از خطاطان معروف تهرانی که بیشتر عمر خود را در تبریز گذراند و در آنجا به عنوان معلم خط شاهزادگان قاجار، مشغول به کار بود. وی در خط نستعلیق، استاد مسلم بود و شاگردان خوبی هم تربیت کرد که میرزا علی محمد تبریزی، میرزا مهدی خان، اسماعیل امیر خیزی و یوسف میرزای قاجار، از جمله شاگردان وی هستند. قطعات گوناگون آثارش از قلم شش دانگ تا نیم دو دانگ عالی و ممتاز است که تاریخ کتابت آنها بین سالهای ۱۲۷۱ تا ۱۲۹۵ ق، و با رقم «میرحسین» است. روی سنگ قبر محمد شاه قاجار در قم، در اطراف تمثال او کتیبه‌ای است به خط همین میرحسین. (ر.ک: شرح حال رجال ایران، ج ۵، ص ۷۵؛ اطلس خط، ص ۵۹۰-۵۹۱؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج ۱، ص ۱۵۱-۱۵۲؛ المآثر والآثار، اعتماد السلطنه، ص ۲۱۲؛ اثرآفرینان، ج ۲، ص ۳۷۰).

۳. میرزا محمد علی، فرزند قنبر علی اصفهانی سده‌ی، متخلص به «سروش» و ملقب به «شمس الشعراء» (۱۲۲۸-۱۲۸۵ ق / ۱۸۱۳-۱۸۶۸ م)، در سده اصفهان دیده به جهان گشود و مقدمات علوم را در همان جا فرا گرفت و تحت توجه و زیر نظر حاج سید محمد باقر رشتی قرار گرفت. سپس از اصفهان به گلپایگان عزیمت کرد و بعد از آنجا به تهران آمد و پس از چندی همراه شاهزاده محسن میرزا، متخلص به «دارا»، به تبریز رفت و به دربار ناصرالدین میرزای ولیعهد، راه یافت و مورد احترام و تکریم قرار گرفت و ملقب به «شمس الشعراء» گردید. او در تبریز به مدت چهارده سال اقامت نمود و پس از مرگ محمد شاه در سال ۱۲۶۴ ق، همراه ناصرالدین شاه، به تهران آمد و به دستور بهمن میرزا، پسر چهارم عباس میرزا نایب السلطنه، سرود اشعار عربی «ألف ليله و ليله» را به فارسی بلیغ و شیوایی ترجمه کرد. او در تهران وفات و در همان جا به خاک سپرده. آثار وی عبارت‌اند از: قصاید و فتحنامه‌ها و مثنوی‌های: اردیبهشت‌نامه، ساقی‌نامه، الهی‌نامه و روضة الأنوار در ذکر واقعه کربلا، کتابی به نام شمس المناقب، حاوی قصایدی در مدح و منقبت رسول اکرم و خاندان وی و دیوانی به نام زینة المدايح. (ر.ک: حقیقه الشعراء، ج ۱، ص ۷۶۷-۷۷۳؛ المآثر والآثار، ص ۲۰۵؛ ریحانة الأدب، ج ۳، ص ۲۰؛ شرح حال رجال ایران، ج ۳، ص ۴۳۲-۴۳۳؛ مجمع الفصحاء، ج ۴، ص ۴۰۱-۴۲۹؛ مکارم الآثار، ج ۳، ص ۷۵۶-۷۵۸؛ یاداشتهای فروزی، ج ۸، ص ۱۹۱؛ یغما، سال ۴، ش ۹۳، ص ۱۳۳-۱۴۰، ۱۸۸-۱۸۹، ۲۰۱-۲۰۴، ۳۴۷-۳۵۲، ۳۹۸-۴۰۱؛ مؤلفین کتب چاپی، خانبابا مشار، ج ۴، ص ۲۶۷-۲۶۹؛ از صبا تا نیما، ج ۱، ص ۸۶-۹۳؛ الذریعة، ج ۹، ص ۴۴۳-۴۴۴؛ فرهنگ ادبیات فارسی، ص ۲۶۶؛ فرهنگ سخنوران، ص ۴۵۰؛ گنج سخن، ج ۳، ص ۲۲۰-۲۲۹؛ اثرآفرینان، ج ۳، ص ۲۳۹).

اهل بهشت می‌باشند. این بقاعی که مذکور شد، از بناهای شاه اسماعیل صفوی بود.

اما بقاعی که بانی آنها صاحبان بقاع می‌باشند:

بقعه محمد شاه قاجار^۱

بقعه محمد شاه قاجار، طرف غربی جنوبی صحن مطهر واقع است، از بناهای ناصرالدین شاه قاجار است که دو حجره از حجرات صحن را در سنه ۱۲۶۴ [هجری] خراب نموده و این بقعه را بنا فرموده و بر روی مَضَج او، سنگی از مرمر است که تمثال آن پادشاه را بر روی آن حجاری نموده‌اند.

بر دور آن تمثال، کتیبه‌ای به خط آقا سید حسین خوشنویس‌باشی^۲ [است] که این اشعار شمس الشعراء میرزا محمدعلی خان سروش اصفهانی^۳ را [بر آن] نوشته‌اند:

خدایو جهان، شاه یزدان پرست

که بودش سپهر برین، زیر دست

محمد شه، آن شاه انجم سپاه

که بودش فلک تخت و پروین، کلاه

هزار و دو صد سال با شصت و چار

چه از دور هجرت بشد روزگار

→ بن آقا مسعود مجتهد کرمانشاهی بر جنازه وی نماز خواند و در محاذی بقعه قهرمان میرزا، در صحن پیش رو (عتیق) به خاک سپرده شد. وی حواشی بسیاری بر کتابهای ادبی و منطق و حکمت و هیأت و نجوم نوشت و شعر می‌گفت و تخلص وی «منصور» بود. محمد معصوم شیرازی (معصوم علی شاه) برادر اوست. (طرائق الحقائق، ج ۳، ص ۳۹۵-۳۹۶).

۱. بقعه محمدشاه قاجار در ضلع غربی صحن عتیق، جنب مدخل مسجد بالای سر واقع شده که در جای آن، قبلاً دو حجره از آثار فتحعلی شاه بوده است که چون محمد شاه وفات یافت، جسد او را در زیر درگاه، حدفاصل بین دو حجره، دفن کردند و بعدها به دستور ناصرالدین شاه، فرزند وی، میرزا تقی خان امیرکبیر به خرابی آنها و بنای گنبد و بقعه کنونی همت گماشت و مدت هفت سال ساخت آن به طول انجامید و در سال ۱۲۷۰ ق، تکمیل شد. قاعده گنبد، مثنی مختلف الأضلاع، به دهانه شش و ارتفاع ده متر که مشتمل بر چهار شاه‌نشین، به دهانه ۲/۵۰ و عرض‌های مختلف، یک متر و ۱/۴۰ متر و چهار صفا، به دهانه نود سانتیمتر، همگی به شکل پنج تزیکی و ارتفاع ۵ متر که در کمرگاه آنها پوشش تخت افزوده، آنها را به دو طبقه تحتانی و فوقانی منقسم ساخته‌اند و جهات اصلی آن به اندازه ۳/۵۰ و جهات فرعی‌اش به اندازه ۱/۹۰ متر و جرزهای فاصل بین هر شاه‌نشین با صفاها، به قطر یک متر و به شکل منحنی است و بالای آنها صورت ساختمان به شکل شانزده تزیکی متساوی درآمده است و پوشش مقرنس آینه روی آن قرار دارد. تزیینات داخلی گنبد، متنوع و مجموعه‌ای از گچبری و آینه‌کاری و قاب

ششم روز شوال، نهفت چهر

تنش از زمین شد روان بر سپهر

سپهری نهان گشت در زیر خاک

فرو رفت خورشیدش اندر مُغاک

به گِل شد علی‌رغم آن کس که گفت

که: «خورشید بر گِل نشاید نهفت»

خطا گفتم او زنده بر تخت زر

نشسته است، لیکن به شکل دگر

ز یک گلبن است آن که در هر بهار

گلی چون گل رفته آرد به بار

ز شمعی چه شمع دگر بر فروخت

نیازی بحق گفت کان شمع سوخت

که شمع نخست است گر تا قیام

دو صد شمع روشن کنی زان مدام

الهی که این شمع بیگانه‌سوز

بُود تا شب حشر، گیتی‌فروز.

قبوری که در این بقعه واقع است:

قبر والدۀ محمد شاه

قبر والدۀ محمد شاه، ضبیعة عباس میرزای نایب السلطنه که

در زاویه بقعه واقع است. وفاتش در سنه ۱۲۷۳ [هجری]

روی داده [است].

قبر دختران عباس میرزا

قبر دو نفر از صباای عباس میرزا که خواهرهای محمد شاه

باشند که در یکی از صفه‌های بقعه واقع است. وفات یک نفر

از آنها در سنه ۱۲۸۸ [هجری] روی داده و دیگری را تاریخ

وفات او را نتوانستم بخوانم.

قبر رکن‌الدوله^۱

قبر محمد تقی میرزای رکن‌الدوله، فرزند محمد تقی میرزا ابن

محمد شاه که طرف جنوب بقعه واقع است در ۱۳۳۵ [هجری]

وفات نموده است. بر روی سنگ قبر او این قطعه را نوشته‌اند:

چون تقی بن تقی بن محمد شاه ثانی

ناگهانی شد به اقلیم بقا زین ملک فانی

آن که رکن‌الدوله عون‌الدوله بود و چون نیاکان

دین و دولت را به ستواری او محکم مبانی

چون پدر والاگهر، پاکیزه‌خوی و عدل‌پرور

در خراسان و لرستان داد داد از حکمرانی

زد رقم شیخ‌الرئیس از بهر تاریخ وفاتش

«وای دیدی رُکن دولت، منهدم شد ناگهانی»^۲.

قبر شاهزاده عبدالصمد میرزا^۳

قبر شاهزاده عبدالصمد میرزا، الملقب به «عزالدوله، فرزند

محمد شاه، در طرف شمالی بقعه واقع است و در سنه

۱۳۴۸ [هجری] وفات نموده است و در صدر و ذیل سنگ قبر

۱. محمد تقی میرزا رکن‌الدوله، فرزند چهارم محمد شاه قاجار، هشت پسر و شش دختر داشته و پسر بزرگ وی: «علی‌تقی میرزا رکن‌الدوله» است و در بین فرزندان وی، کسی به نام محمد تقی رکن‌الدوله وجود ندارد. به احتمال زیاد، مؤلف، نام محمد تقی را به جای علی تقی نوشته است. به هر حال، علی تقی رکن‌الدوله در سال ۱۳۰۹ ق، ملقب به «عین‌الملک» و در ۱۳۱۸ ق، پس از مرگ پدرش محمد تقی میرزا، ملقب به لقب پدرش «رکن‌الدوله» شد و در ۱۳۲۱ ق، به حکومت خراسان منصوب گردید و تا سال ۱۳۲۲ ق، حاکم خراسان بود و بعد، حاکم کرمان شد. در ۱۳۳۰ ق، که محمد علی شاه قاجار از روسیه وارد ایران شد، وی حاکم خراسان بود و بعد، از این سمت برکنار گردید و معلوم نیست که پس از این برکناری، به سمتی انتخاب شده باشد و گویا تا آخر عمرش - که در ۱۳۳۵ ق، بوده - منزوی بوده است. نوشته‌اند که علی تقی میرزا رکن‌الدوله، در مقام مقایسه با پدرش محمد تقی میرزا رکن‌الدوله، باسوادتر و فهمیده‌تر بوده است؛ اما همانند پدر خود، قدری بی‌حال بوده است. تنها پسری که از وی باقی ماند، محمد علی میرزا حشمت السلطان نام داشت. (فرهنگ رجال قاجار، ص ۸۰ - ۸۱؛ شرح حال رجال ایران، ج ۲، ص ۴۹۸ - ۴۹۹).

۲. مصرع: «وای دیدی رُکن دولت منهدم شد ناگهانی» به حروف ابجد،

مساوی است با عدد ۱۳۳۵ که سال مرگ محمد تقی میرزا رکن‌الدوله است.

۳. عبدالصمد میرزا عزالدوله، پسر سوم محمد شاه قاجار و برادر صلیبی ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۱ - ۱۳۴۸ ق / ۱۸۴۵ - ۱۹۲۹ م) از رجال سیاسی عصر ناصری و مظفرالدین شاه و محمد علی شاه قاجار است. وی در ۱۲۹۰ ق، در سفر اول ناصرالدین شاه به اروپا همراه وی بود و تا همین سال، مقامهای حکومتی درجه دوم و سوم مانند: حکومت قزوین، زنجان، بروجرد، همدان، ملایر، تویسرکان و نهاوند به او واگذار می‌شد. او پس از چند سال گوشه‌گیری در ۱۲۹۹ ق، حاکم همدان گردید و در ۱۳۰۲ ق، وزیر عدلیه شد و در ۱۳۰۸، حاکم همدان و در ۱۳۰۹ ق، حاکم ملایر، تویسرکان و نهاوند گردید. وی سخت مخالف مشروطیت بود و تحت حمایت روسها قرار داشت. او مردی متمول، بسیار منظم، با عقل معاش و صرفه‌جو بود و زبان فرانسه و انگلیس را خوب می‌دانست. وی ۸۷ سال زندگی کرد و پس از درگذشت، جسدش را به قم منتقل کردند و در آستانه حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپردند. (ر.ک: شرح حال رجال ایران، ج ۲، ص ۲۶۸ - ۲۷۰؛ فرهنگ رجال قاجار، ص ۱۱۹ - ۱۲۰؛ تاریخ منتظم ناصری، ج ۱، ص ۵۰۱ و ج ۲، ص ۱۲۱۹ و ج ۳، ص ۱۷۷۲، ۱۷۹۶، ۱۸۴۴، ۱۸۷۵، ۱۹۳۳، ۱۹۴۰، ۱۹۷۱ و ۲۰۶۳).

او این دو بیت مضبوط است:

بهشتی بُدی گیتی با رنگ و پوی

اگر مرگ و پیری نبودی در او

سرایبی است گیتی گشاده دو در

یکی آمدن یا شدن را دگر.

حسب الأمر ناصرالدین شاه، سالی یکهزار و دوست تومان

نقد و هشتاد خروار جنس غله برای مصارف مخارج بقعه

محمد شاه، تعیین شده است و قریه کَهک - که در سه فرسخی

قم واقع است - تیول این بقعه است.

بقعه مهد علیا^۱

بقعه مهد علیا، مشهور به بقعه مادر شاه، عقب بقعه محمد

شاه واقع است. والدۀ ناصرالدین شاه است و بانوی این بقعه،

ناصرالدین شاه است که در سنۀ ۱۲۹۰ [هجری] جهت مدفن

والدۀ خود بنا نموده است و مبلغ هشتصد تومان از جهت

مصارف مخارج این بقعه قرار داده است و قریه و شنوه - که در

شش فرسخی قم واقع است - تیول این بقعه است. قبر مهد علیا

در وسط بقعه واقع است. سنگ مرمر بسیار خوبی بر روی قبر

است که حجاری بسیار عالی ممتازی از آن شده و قطعه‌ای به

خط بسیار خوب بر روی سنگ نوشته که در سنۀ

۱۲۹۰ [هجری] تاریخ آن است:

دختِ امیر یگانه، قاسم قاجار

آن که چه گنجی به زیر خاک نماند شد

راد نیایش بود فتحعلی شه

آن که چهل سال زین تخت کیان شد

جفت محمد شه آن که همچو سلیمان

زیر نگین اندرش زمین و زمان شد

مادر صاحبقران عصر که مُلکش

از مَلِک العرش با هزار، قران شد

شه پسر و شه نیا و شاهش شوهر

خود نه شگفتی بود که شاه زنان شد

مغفرت و رحمت از خدای طلب کرد

سوی جنان رفت و هرچه خواست، چنان شد

رفته نمود از پس هزار و دو صد سال

رو به محمد، خدیجه‌ای ز جهان شد.^۲

قبوری که در این بقعه واقع است:

قبر فخرالملوک^۳

قبر فخرالملوک، صبیۀ بزرگ ناصرالدین شاه، ضعیفه میرزا

مهدی خان اعتضادالدوله که در سنۀ ۱۳۱۱ [هجری] وفات

نموده است و مادۀ تاریخ آن بر روی تخته سنگی از مرمر

حجاری شده و به دیوار منصوب است:

دردا که بوستان بزرگی و مجردا

باد فغان وزید و زمان خزان رسید

۱. مهد علیا خدیجه، دختر امیر قاسم خان قاجار، داماد فتحعلی شاه قاجار،

همسر محمد شاه قاجار و مادر ناصرالدین شاه که با عنوان «مهد علیا» خوانده

می‌شد، در ۱۲۹۰ ق، دیده از جهان فرو بست و از زنان قدرتمند و پرنفوذ

عهد محمد شاه و ناصرالدین شاه بود و با دسیسه‌های وی، امیر کبیر - که داماد

وی بود - کشته شد.

مقبره و بقعه مهد علیا، در جهت غربی و عقب گنبد محمد شاه واقع شده

و مدخل آن از درون مقبره همسرش است و در غربی آن مقبره مشابهی است

که بیوتات مسجد اعظم، جلو نورگیر آن را بسته‌اند و سابقاً در سراسری

واپسی آن به محوطه مدرسه مادر شاه گشوده می‌گشت. این مقبره مربع

مستطیل، طولش از شمال به جنوب ۶/۲۰ و عرضش ۳/۵۰ و ارتفاعش ۴/۵۰

متر با پوشش تخت درزیر طاق قوسی، تمام جدارش از آزاره و جزو طاقچه‌ها

و پوشش آراسته به بهترین گچبری‌های برجسته آینه‌نشان، از شاهکارهای

استادان فن و در بین آن با مقبره مشابه مجاور، پنج درگاه دو طبقه با ستونهای

استوانه‌ای و سر ستون‌های گچبری و رنگین ساخته شده است.

لوح نفیس مقبره وی، سنگ مرمر شفاف و روشنی است به طول دو و عرض

یک متر که بسیار جالب و جلوه گاه هنری و گنجینه بدایع حجاری است. بر

این سنگ، قطعه شعری است سروده شاهزاده سام میرزا شمس العرفاء،

فرزند محمد علی میرزای ملک‌آرای، پسر فتحعلی شاه قاجار که روی آن

حکاکی شده است. تولیت این بقعه، مدتی به عهده میرزا کاظم خان پسر حاج

آقا رضا خان خواجه بوده است که به جای پدر خود به این سمت انتخاب

شده بود. (ر.ک: گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۶۱-۵۶۴؛ سفرنامه افضل‌الملک

ص ۶۳؛ فرهنگ ایران زمین (گنجینه آستانه قم)، ج ۲۲، ص ۴۰۱؛ تربت پاکان،

ج ۱، ص ۹۱-۹۲؛ انجم فروزان، ص ۱۱۷؛ تاریخ قم، مختار البلاء، ص ۱۱۰؛

راهنمای قم، چاپ ۱۳۱۷ ش، ص ۶۶؛ تاریخ دارالایمان قم، ارباب، ص ۳۷.

۲. در پایین این اشعار، چنین نوشته شده بود: «عمل حاجی محمد علی حجار

تهرانی و میرزا علی اکبر حجار، ولد مشار الیه ۱۲۹۰، کتبه العبد غلامرضا

۱۲۹۶. این دو تاریخ می‌رساند که مدت هفت سال روی آن کار شده است.

(گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۶۴).

۳. فخرالملوک، دختر ناصرالدین شاه قاجار، از گلین خانم، اولین همسر عقدی

وی است. او در ۱۲۶۳ ق، دیده به جهان گشود و چون به سن بلوغ رسید،

همسر محمد مهدی خان اعتضادالدوله شد که در دربار ناصرالدین شاه،

بسمت کشیکچی باشی را داشت و در ۱۲۸۶ ق / ۱۸۸۹ م، درگذشت.

فخرالملوک، نخستین دختر ناصرالدین شاه است. او در ۱۳۱۱ ق، دیده از

جهان فرو بست و جنازه وی به قم منتقل و در جوار حضرت معصومه علیها السلام به

خاک سپرده شد. (ر.ک: تاریخ منتظم ناصری، ج ۱، ص ۵۰۱ و ج ۲، ص ۱۲۱۸ و ج ۳، ص ۲۰۶۲؛ فرهنگ رجال قاجار، ص ۲۵؛ تاریخ قم، مختار البلاء، ص ۱۱).



گردون رُبُود نوگلی از گلیستان شاه
 کز داغ عارضش ز دل لاله خون چکید
 آن کس که بود سنبل رویش طراز مُلک
 دست قضایش آوخ همچون بنفشه چید
 یا آنکه عندلیب بود از ریاض خلد
 بر شاخسار طوبی زین آشیان پرید
 یا آنکه تنگ بُد ز بزرگی برون جهان
 خود رخت از این جهان به جهان دگر کشید
 فخرالملوک، اختر گردون خسروی
 کز روی و رای پرده خورشید و مه درید
 در شام دویم رمضان نوبت سحور
 آن روح پاک سوی بهشت برین خمید
 در صحن پاک حضرت معصومه شد دفین
 کان را خدای، غرفه‌ای از جنت آفرید
 کلک «حکیم» خواست چه تاریخ زد رقم
 دفتر سیاه کرد و زبانِ قلم بُرید
 نقصان نمود پنج «ز تاریخ سال و» اگفت:
 فخرالملوک جای به صحن جنان گزید.

قبر فخرالدوله

قبر فخرالدوله^۲، یکی از صبایای ناصرالدین شاه است. سنگ
 قبر او به این قطعه، مزین است:
 دریغ از انقلاب آسمانی
 نمآند هیچ کس را کامرانی
 مرو بر سُفره گردون که این دون
 پشیمان می‌شود از میزبانی
 مشو ای گوسفند از گرگ، ایمن
 که از گرگان نیاید گله‌بانی
 در این دنیای فانی کس ندیدم
 مگر کز بعد چندی گشت فانی
 صفای غنچه در گلزار خوش بود
 نبود مگر ز پی باد خزانی
 کنی این پند را چون حلقه در گوش
 اگر این لوح بر خاکم بخوانی
 مرا از فخر فخرالدوله گفتند
 گلی بودم ز باغ خسروانی

قبر افسرالدوله^۳

پدر بُد ناصرالدین شاه قاجار
 که بُد زبینه بر تاج کیانی
 مرا اندر سفرها و حَضَرها
 همی می‌پرورید از مهربانی
 بُدم خوشدل که می‌گفتند خلقی
 که این خانم ندارد هیچ ثانی
 به ناگه در هزار و سیصد و نُه
 بِلا اولاد در سنّ جوانی
 ز صیّاد اجل خوردم یکی تیر
 چنان گشتم به خاک ناتوانی
 توهم ای آن که بر قبرم گذشتی
 چه من هرگز نمائی جاودانی
 بیا بر تربتم از روی اخلاص
 به «الحمد»ی مددکن گر توانی.

افسرالدوله نیز صبیّه ناصرالدین شاه است. در سنه
 ۱۳۱۹ [هجری] دار فانی را وداع نموده است و این قطعه، بر
 روی سنگ مرمر روی قبر نوشته است:

بُردی ای آسمانِ کم‌فرصت
 اختری را که بود مه‌طلعت
 وه چه ماهی ز شرم رخسارش
 سر فرو برده مهر از خجلت
 آفتاب از سپهر چار ندید
 سایه‌اش زآنکه بود باعفت

۱. جمله‌فز تاریخ سال و به حروف ابجد مساوی با ۱۳۱۱ می‌شود که سال
 مرگ فخرالملوک است.

۲. فخرالدوله، دختر ناصرالدین شاه قاجار و همسر مجدالدوله مهدی قلی
 خان قاجار و پسر عیسی خان والی اعتمادالدوله بود. گویا وی در جوانی
 دیده از جهان فرو بسته و صاحب اولادی نشده است. (ر.ک: تاریخ منتظم
 ناصری، ج ۲، ص ۲۰۶۲؛ فرهنگ رجال قاجار، ص ۱۵۱).

۳. افسرالدوله، دختر ناصرالدین شاه قاجار و همسر ابوالفتح میرزا مؤیدالدوله
 ابن سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه، در ۱۲۷۵ ق، در تهران دیده به جهان
 گشود و در همان‌جا در سال ۱۳۱۹ ق، درگذشت و جنازه‌اش به قم منتقل شد
 و در جوار حضرت معصومه علیها السلام، به خاک سپرده شد. (ر.ک: تاریخ منتظم
 ناصری، ج ۱، ص ۵۰۱ و ج ۲، ص ۱۲۱۸ و ج ۳، ص ۲۰۶۲؛ فرهنگ رجال
 قاجار، ص ۱۸۸).

نخبه‌ای از بنات شاه شهید
 ناصرالدین شه فلک‌رفت
 در حرمخانه او نظیر نداشت
 از حیا و جلالت و عصمت
 «افسرالدوله» اش لقب فرمود
 شاه غازی فراخور خدمت
 درگذشت از جهان به سال هزار
 سیصد و نوزده پس از هجرت
 بشد اندر بهشت، جاویدان
 با دلی داغدار و پُرحسرت
 رفت در قسم جوار معصومه
 تا شود شافعی مر آن حضرت
 به یقین دان ز حب آل رسول
 منزل خاص اوست در جنت
 بارالها! بساز محشورش
 تو به معصومه از ره رحمت.

برای معتمد آمد ز داوود سلیمان، فر
 به پایان بقعه‌ای در قم که چرخ هفتمش آوا
 همایون بقعه‌ای کز نقش سقف و خط دیوارش
 ز صورت رستگان واله، به معنا بستگان شیدا

۱. منوچهر خان گرجی، ملقب به «معتمدالدوله» (م ۱۲۶۴ ق / ۱۸۴۸ م)، یکی از سیاستمداران و رجال فرهنگی دوره قاجار در دوره‌های فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار است. وی از اسیران گرجی بود که آقا محمد خان قاجار وی را از تغلیس به ایران آورد. او در آغاز، جزو خواجگان حرمسرای فتحعلی شاه بود، سپس به عنوان ایچ آقاسی (خواجه‌باشی) و ایشیک آقاسی (رئیس تشریفات) انتخاب شد و در ۱۲۳۹ ق، به وزارت و پیشکاری یحیی میرزا پسر چهل و سوم فتحعلی شاه که کودکی هفت ساله بود، حاکم اصفهان شد و در جنگ دوم ایران و روس (۱۲۴۱-۴۳ ق) برای جلوگیری از حمله روسها به حکومت گیلان منصوب شد و پس از مرگ فتحعلی شاه، وقتی محمد شاه از تبریز عازم تهران بود، منوچهر خان از رشت خود را در زنجان به محمد شاه رساند و با تقدیم هدایا و پیشکشی، جای پای خویش را نزد شاه محکم نمود و در ۱۲۵۱ ق، به وزارت فارس منصوب شد و در ۱۲۵۲ ق، حکومت کرمانشاه، لرستان، و خوزستان و از ۱۲۵۴ ق، تا زمان مرگش حاکم اصفهان بود و در روزگاری که در اصفهان بود، از سید علی محمد باب پذیرایی کرد. وی آنگاه که حاکم گیلان بود، با نیای بزرگ آقا بزرگ تهرانی، حاج محسن تاجر، دوستی عمیقی پیدا کرد و به کمک وی، چاپخانه‌ای در تهران به نام «چاپخانه معتمدی» تأسیس کرد و کتابهای بسیاری به چاپ رساند که به نام کتابهای چاپ معتمدی معروف‌اند. وی مردی مدبر و سختگیر و تاحدودی شقی و از ثروتمندان درجه اول زمان خود بود و اموالش را پس از مرگش مصادره کردند. به هر حال، وی پس از اینکه دیده از جهان فرو بست، به قم منتقل شد و در بقعه‌ای در ضلع غربی صحن عتیق، قرینه گنبد و بقعه محمد شاهی، کنار مهمانسرای آستانه قبلی حضرت معصومه علیها السلام، به خاک سپرده شد. او بانی ایوان و غرفه‌های گنبد امامزادگان خاکفرج نیز بود.

سبک ساختمان گنبد و بقعه وی با گنبد محمد شاه قاجار، یکنواخت است، اما به واسطه ضیق مکان، اجرای نقشه کامل آن در این ساختمان امکان نداشت؛ در نتیجه، دارای یک شاه‌نشین در جانب غربی است. گنبد وسط به دهانه ۵/۱۰ در ۵/۱۰ متر و طول بقعه با افزایش شاه‌نشین غربی به ده متر می‌رسد و ارتفاع آن یازده متر است. ازاره گنبد، آراسته به بهترین سنگهای مرمر منقش و خوشرنگ معادن اصفهان، به ارتفاع ۱/۱۰ متر، مرکب از حاشیه و متن، که حاشیه آن مانند قابی گیلویی و ابزارزده فتیله‌دار است. این گنبد و بقعه، از جنبه تزیینات بی‌نیاز و متضمن یک رشته نفایس حجاری و نقاشی و دارای مقرنس آینه و گچی و دو منظره دورنمای ابریشمی و سه تابلو زیبایی قلمی است.

یک شاهکار حجاری دیگر در این گنبد، لوح قبر معتمدالدوله با مجسمه نیم تنه وی در لباس رسمی و کتیبه‌های متعدد است که متأسفانه در انقلاب مشروطه، به دست مجاهدین با تبر شکسته و ذره ذره شده است. (دائرة المعارف فارسی، ج ۲، ص ۲۸۷۷؛ گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۶۷-۵۷۱؛ دائرة المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی، ج ۲؛ بناهای آرامگاهی، ص ۱۱۶، ۱۵۴ و ۳۶۷؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۴۵۵).

بقعه معتمدالدوله^۱

بقعه معتمدالدوله، طرف غربی شمالی صحن مطهر واقع است. بنایی است مثنی و مرتفع در کمال استحکام و رزانت و حاکی از علو مقام بانی که گمان مؤلف کتاب این است که بقعه‌ای به این متانت و خوبی، در این آستانه مقدسه بنا نشده باشد.

ازاره آن، سنگ مرمر منقش به نقوش بسیار عالی و مزین به طلا، و دو کتیبه دارد که آقا مهدی ملک الکتاب تهرانی، به خط نستعلیق بسیار ممتاز، به طلا نوشته. کتیبه‌ای که در طاق واقع است، چشمم به خواندن آن وفا نکرد؛ اما شعر مقطع آن - که ماده تاریخ وفات معتمد است - این است:

کلیک کوکب زد رقم تاریخ سالش را چنین

«جایگاه معتمد دایم بفردوس برین».

و کتیبه‌ای که در زیر دَف واقع است، به این قطعه اشعار مزین است:

کدامین معتمد خان منوچهر، آن که از رفعت
 که در آن داد یزدان همچو عیسی معتمد را جا
 شهنشه ناصرالدین، آن که از ذات همایونش
 هویدا آنچه از چشم کلیم از سینه سینا

ایران بوده و در جنگها فتوحاتی نموده و جنگ عربستان و شوشتر و دزفول - که از جنگهای بزرگ ایران است - فتح آن بر دست او بوده و در هر جنگی فاتح شده و در اوایل عمر، در اصفهان و لرستان و عربستان^۴ حکومت کرده و چندی هم به وزارت فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار، مفتخر بوده و خدمات او به مملکت اسلامی در کتب تواریخ، مسطور است و در السنه و افواه مشهور است و سنین عمرش هشتاد و چهار سال^۵ بوده [است].

۱. این مصرع در اصل، محو شده است. از این رو، مؤلف، آن را ثبت نکرده است.

۲. مصرع: «ز داود فلک چاکر بقم این بقعه شد برپا» با سال مرگ وی (۱۲۶۴) برابر است.

۳. در جهات فرعی مقبره، سه صفه است که جلو آنها دری نصب شده که خاتمکاری و منبتکاری شده‌اند و ابیاتی روی آنها به خط نستعلیق خاتمکاری و قسمتی منبت گردیده که ابیات باقی مانده آنها این است:

چو انجم به تاریخ این در بگفت	در بقعه معتمد شد پدید
که دارد سرورش پسر آمده	دری بین به رحمت فراز آمده
بنایی چو قصر بهشت از نکویی	اساسی چو کاخ فلک در متانت
در بقعه باد از درهای رحمت	که باد احترامش به جانا قیامت.

۴. خوزستان.

۵. بر این مبنا، سال تولد وی باید سال ۱۱۸۰ ق، بوده باشد.

چه بر سقفش نظر آری، سراسر لاله سوری
چه بر صحنش گذر آری، بیابی عنبر سارا
قم آمد چرخ چارم مهر آن معصومه اطهر
.....^۱

بلی در حشر آید پیکرش چون زهره نورانی
هر آن مقبل که جُست از جان پناه زاده زهرا
چه خاک بقعه‌اش شد نوربخش دیده غلمان
چه گرد روضه‌اش شد زیب‌بخش طرّه حورا
پی تاریخ اتمامش بهار آورد این مصرع
«ز داود فک چاکر بقم این بقعه شد برپا»^۲.

نام معتمدالدوله، منوچهر خان است که در وسط بقعه مدفون است. بانی بنای این بقعه، بنابه وصیت خود معتمدالدوله، میرزا داوود خان، برادرزاده معتمد است که در سنه ۱۲۶۴ [هجری] این بنا به اتمام رسید و دو تمثال او را که نقاش به طرز خوشی کشیده، در بالای دف مقابل یکدیگر، منصوب است. از حقوق سابق این بقعه بی‌اطلاع، فعلاً سالی یکصد تومان حقوق دیوانی دارد.^۳

مجملی از حالات منوچهرخان این است که اجداد و نیاکانش از طایفه آرامنه جلفای اصفهان بودند. پدرش به شرف اسلام شرف جُسته و خودش هم یکی از رجال مهمه

